



اصطلاحنامه

نرگس بابایی^۱

چکیده

اصطلاحنامه به واژگان کنترل شده‌ای اطلاق می‌شود که رابطه سلسله‌مراتبی یا همبسته میان مفاهیم را نشان می‌دهد؛ کاربرد اصطلاحنامه در نمایه‌سازی مدارک و بازیابی اطلاعات است. اصطلاحنامه‌ها از مهم‌ترین ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات هستند. این مقاله به تاریخچه، شکل، ساختار، روش کار اصطلاحنامه، و ذکر چند نمونه اصطلاحنامه می‌پردازد و در انتها نیز نتیجه مقاله ذکر می‌شود.

کلید واژه‌ها

اصطلاحنامه، ذخیره‌سازی، بازیابی اطلاعات

مقدمه

در همه فرهنگ‌ها برای بیان یک موضوع، ابتدا به معانی مختلف واژه و ریشه آن توجه می‌شود و سپس برای روشن شدن موضوع به اجزاء و معنای واژه و در مرحله بعد به تاریخ استفاده و کاربرد موضوع مورد بحث و در نهایت به اهداف و کاربردهای پیش‌بینی شده اشاره می‌کنند. در این مقاله نیز سعی شده به دیدگاه‌های صاحب‌نظران ایرانی و خارجی درباره اصطلاحنامه توجه شود و نظرات آنها، راهکارها و اهداف اصطلاحنامه بیان گردد.

تعریف اصطلاح^۲

"اصطلاح" در لغت به معنی صلح کردن است و معنای دیگر

آن فراهم آمدن قومی برای امری است. هر فنی در مسیر تکامل خود، بستر زایش اصطلاحاتی خاص است. مقدار و شماره اصطلاحات با میزان تکامل هر فن ارتباط دارد و وجود اصطلاحات نشانه حیات آن فن است. هر اصطلاح باری از معنی به دوش دارد که علاوه بر القاء معانی عام بیان‌کننده مفاهیم کلی و مجرد اهل فن است (۱۵: ۵۶).

اصطلاحنامه به واژگان کنترل شده‌ای اطلاق می‌شود که رابطه "سلسله‌مراتبی" یا "همبسته میان مفاهیم"^۳ را نشان می‌دهد. کاربرد عمده اصطلاحنامه در نمایه‌سازی مدارک و بازیابی اطلاعات است، به همین دلیل اصطلاحنامه‌ها دوشادوش افزایش مدارک، دگرگون می‌شوند و پیوسته دستخوش حذف و افزایش هستند. اصطلاحنامه‌ها ابزاری با

اهمیت در کار ذخیره و "بازیابی اطلاعات"^۴ به شمار می‌روند. کتاب‌های اصطلاحات از اوایل قرن چهارم ق. به همراه تحقیقات عالمان لغت پدید آمد از جمله این کتب می‌توان به نفیس الفنون زمخشری، و تعریفات جرجانی اشاره کرد تا اینکه در نیمه دوم قرن دوازدهم کتاب جامعی با نام اصطلاحات الفنون تألیف تهانوی نگاشته شد (۱۵: ۶۶).

از منابع جدید می‌توان به کتاب گیتی هندسی افشار انتشار یافته در سال ۱۳۵۰ با نام قواعد و قراردادهای ساختن اصطلاحنامه اشاره کرد.

کلمه اصطلاحنامه در برابر "تزاروس"^۵ به کار رفته است که با اصطلاحات و نام‌های دیگری همچون واژه‌نامه، واژه-رده، واژگان‌نامه، گنج‌واژه، گنجینه اطلاعات نیز شناخته شده است. واژه تزاروس نخستین بار در سده سیزدهم میلادی در یکی از دایرة المعارف‌ها به کار رفت (۷: ۳).

شناخت اصطلاحنامه، تاریخچه آن و بررسی کاربرد، شکل و ساختار اصطلاحنامه هدف اصلی این مقاله است. بررسی رابطه بین واژه‌ها، شیوه استفاده از اصطلاحنامه، آشنایی با ارجاعات، تفاوت اصطلاحنامه با سرعنوان موضوعی، نمایه‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌ها، و تشخیص وجه تشابه بین آنها و همچنین بیان اهداف و بررسی وضع اصطلاحنامه‌ها بخش‌های مختلف مقاله است.

تاریخچه اصطلاحنامه

اصطلاحنامه در دورانی پدیدار شد که تقسیم کار در جوامع ضرورت یافته بود. قدیمی‌ترین اصطلاحات در زمینه کشاورزی و ماهیگیری است که در داستان‌ها، اشعار و متون قدیمی دیده می‌شود. وجود اصطلاحات خاص در یک زبان، از زمانی پدیدار شد که مهارت‌های خاص در علوم و فنون پدید آمد. با تخصصی شدن زبان علوم و فنون، واژه‌ها نیز تخصصی شدند و فقط گروه خاصی از صاحبان مشاغل خاص از آن اصطلاحات استفاده می‌کردند. ساخت اصطلاحات جدید از طریق عناصر بالقوه زبان و وام‌گیری از زبان‌های دیگر مقدور شد.

گردآوری اصطلاحات در قالب فرهنگنامه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی پیش آمد. قرن بیستم با گسترش فوق

العاده علوم و فنون همراه بود و اصطلاحنامه به معنای امروزی از اوایل همین قرن شکل گرفت و علم "اصطلاح‌شناسی"^۶ و به دنبال آن اصطلاحنامه‌نگاری گسترش یافت تا آنجا که از سوی سازمان‌های جهانی، مؤسسات و مراکزی برای کنترل واژگان پدید آمدند تا به ثبت و ضبط اصطلاحات و طبقه‌بندی آنها در علوم مختلف بپردازند.

تدوین اصطلاحنامه به ۱۸۵۲ م. برمی‌گردد که اولین واژه‌نامه با نام واژه‌نامه‌ها و عبارات انگلیسی به کوشش "پیر مارک روژه"^۷ انتشار یافت و او نام این مجموعه را تزاروس گذاشت که در آن همه قواعد اصطلاحنامه‌نویسی با ویژگی‌های مورد نیاز آن زمان رعایت شد.

هدف روژه "ذخیره اطلاعات"^۸ و "نمایه‌سازی"^۹ نبود بلکه کمک به افراد برای بیان دقیق افکار خود با استفاده از اصطلاحات اصطلاحنامه بود و به همین دلیل نام اثر خود را تزاروس گذاشت.

تزاروس به زبان یونانی معنای گنجینه یا مخزنی از دانش را می‌دهد.

تعریف اصطلاحنامه

برطبق تعریف استاندارد ملی امریکا^{۱۰} ۱۹۸۰-۱۹-۲۳۹ اصطلاحنامه چنین تعریف می‌شود:

«مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارات که روابط سلسله مراتبی، مترادف‌ها، وابستگی‌ها و دیگر روابط موجود میان مفاهیم را ارائه می‌کنند. هدف چنین مجموعه‌ای ایجاد واژگانی استاندارد برای ذخیره و بازیابی اطلاعات است. برای ارائه مفاهیم در اصطلاحنامه از زبان طبیعی استفاده می‌شود، ولی در فرایند جمع‌آوری و روزآمد کردن آن توصیه می‌شود که از روش مقولات کنترل شده استفاده شود، در غیر این صورت با ورود هر اصطلاح با شبکه‌ای گسترده و بسیار منشعب از مفاهیم روبه‌رو می‌شویم که مدیریت و بازیابی آنها بسیار مشکل است.

در اصل اصطلاحنامه هر مفهومی را می‌تواند به عنوان "توصیفگر"^{۱۱} قبول کند اما به شرطی که بیان لغوی برای آن مفهوم موجود باشد و ورود این مفاهیم باید بدون تأخیر زیاد باشد و مشکل اساسی این است که اصطلاحات جدید خیلی

4. Information retrieval
5. Thesaurus
6. Terminology

7. Pier Mark Roget
8. Information storage
9. Indexing

10. ANSI = American National Standards Institute Inc
11. Descriptor

دیر وارد اصطلاحنامه‌ها می‌شود» (۲۳: ۱۳).

اما به نظر می‌رسد که کامل‌ترین و مقبول‌ترین تعریف از اصطلاحنامه را نظام جهانی اطلاعات علمی "یونی‌سیست"^{۱۲} داده است و این تعریف از دو جنبه به اصطلاحنامه می‌پردازد: (۱) از نظر عملکرد، (۲) از نظر ساختار.

عملکرد

اصطلاحنامه وسیله‌ای برای مهار کردن واژه‌هاست و در برگرداندن زبان طبیعی مدارک، نمایه‌سازان یا استفاده‌کنندگان را به رعایت قواعد زبانی مقید می‌سازد.

ساختار

اصطلاحنامه مجموعه لغات مهار شده و پویایی در یک زمینه خاص از دانش بشری است که از لحاظ معنا و نوع مرتبط هستند (۱۸: ۱۹۱). نیاز به اصطلاحنامه در ذخیره و بازیابی اطلاعات از زمانی احساس شد که نظام‌های اطلاع‌رسانی با مشکلات مهمی در جستجو و بازیابی اطلاعات مواجه شد زیرا: (۱) مدارک زیادی منتشر شد و این خود سبب افزایش حجم اطلاعات کتابشناختی شد و در این زمان بود که باید به ذخیره آنها از نظر محتوا توجه خاصی شود. (۲) در گذشته برای نمایه‌سازی از زبان طبیعی به خصوص نظام تک‌واژه استفاده می‌کردند اما فردی به نام "هانس پیتر لون"^{۱۳} به نمایه‌سازی تک مفهوم اشاره کرد و بدین ترتیب پایه و اساس اصطلاحنامه علمی گذاشته شد. پیتر لون کلماتی را که از نظر معنا و مفهوم به هم وابسته بودند در یک قسمت دسته‌بندی کرد و مجموعه‌ای از کلمات هم‌معنی با ارجاعات برای استفاده در نمایه‌سازی تهیه نمود.

اولین اصطلاحنامه‌ای که بدین شیوه تهیه شد برای نمایه‌سازی مدارک شیمی و مهندسی شیمی به وسیله کمپانی "دایونت"^{۱۴} بود. از سال ۱۹۶۰ اصطلاحنامه‌های بیشتری در رشته‌های گوناگون علوم و فنون ایجاد شد.

شکل و ساختار اصطلاحنامه

ساختار تزاروس‌ها به "کنترل مترادف‌ها"^{۱۵} توجه دارد: مفهوم کنترل مترادف‌ها این است که همگان بتوانند از

اصطلاحنامه استفاده کنند. کنترل مترادف‌ها باید به شناخت استفاده‌کنندگان از واژگان، به کار نبردن واژه‌های مبهم، و ایجاد اصطلاحات علمی و فنی مناسب با نیاز استفاده‌کنندگان منجر شود و در صورت مبهم بودن اصطلاحات، باید از واژه‌های کلی‌تر استفاده کرد و از واژه‌های منسوخ به واژه‌های جاری و از واژه‌های بسیط به واژه‌های مرکب ارجاع داد. اصطلاحنامه‌ها معمولاً از نظر شکل به دو گونه هستند:

(۱) گروهی از واژه‌ها به صورت منظم در گروه‌بندی‌های خاص خود قرار می‌گیرند که به آن "چهریزه‌ای"^{۱۶} می‌گویند و در هر یک از این گروه‌ها، واژه‌ها با یکدیگر ارتباط معنایی دارند مانند عناصر شیمیایی و مشاغل؛ در این قسمت نمایه‌سازان می‌توانند جایگاه هر واژه را در بخش‌های بالاتر ببینند. (۲) فهرست الفبایی اصطلاحات به این ترتیب که هر اصطلاح را به عنوان کلی‌تر ارجاع می‌دهند. در این نظام الفبایی از یک سری علائم و اختصارات استفاده می‌شود که سهولت کار نمایه‌سازان و استفاده‌کنندگان را به دنبال دارد.

برخی اصطلاحنامه‌ها بخش دیگری به نام "فهرست‌های گردان یا نمایش گردش"^{۱۷} واژه‌ها دارد که یک نمایه الفبایی است در اصل فهرست رده‌ای که در آن به جای استفاده از ارجاع، هر یک از قسمت‌های مهم نشانه‌های رده در محل الفبایی خود در شناسه قرار می‌گیرند و هر بار یکی از کلمات کلیدی، مدخل قرار می‌گیرد و همراه واژه‌هایی که در ترکیب آن منظور شده است به صورت افقی گردش می‌کند. این فهرست‌ها که فهرست جایگشتی یا گردش‌پذیر و "گوئیک"^{۱۸} هم نامیده می‌شود، برای دستیابی به واژه‌های دوم و سوم و چهارم و یا هر واژه که در یک اصطلاح چندکلمه‌ای آمده به کار می‌رود (۱۱: ۲۳).

دلایل نشانه‌گذاری در اصطلاحنامه

در اصطلاحنامه‌ها نشانه‌های خاصی وجود دارد که همراه هر اصطلاح است. این نشانه عدد یا حرف و یا ترکیبی از هر دو است که استفاده از این نشانه‌ها در نظام‌های رایانه‌ای برای سهولت در جستجو و مهم‌ترین وظیفه این نشانه‌ها ارتباط بخش الفبایی به بخش رده‌ای است. دلایل وجود نشانه‌ها به اختصار از این قرارند:

12. UNISIST = United National Information System in Science and Technology

13. Hans Peter Long

14. Dupont

15. Synonym Control

16. Facet

17. Rotated catalogue

18. KWIC = Keyword in Context

See Related ; XR

نگاه کنید به اصطلاح وابسته و ارجاع متقابل آن (۱۰: ۶۵-۶۶).

کاربرد اصطلاحنامه

اصطلاحنامه مانند نقشه راه‌هاست که رابطه اصطلاح‌ها را در یک مجموعه نشان می‌دهد و جایگاه هر کدام را مشخص می‌کند. در اصل در یک اصطلاحنامه هیچ اصطلاحی نیامده مگر اینکه جایگاهش در ارتباط با سایر اصطلاحات مشخص باشد. اصطلاحنامه به کنترل اصطلاحات می‌پردازد و از آوردن معانی مختلف یک واژه خودداری می‌کند مگر اینکه فقط به معانی ویژه آن اصطلاح در فن خاصی توجه کند.

اصطلاحنامه پنج نقش اساسی برعهده دارد:

۱. نظامی سازمان‌یافته است که به همبستگی و ارتباط مفهومی بین واژه‌ها توجه دارد.
۲. در هر علم و فن برای همه اصطلاحات مختص آن علم جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شود (۱۱: ۲۲).
۳. فقط به معانی وابسته و مرتبط در یک فن توجه می‌کند.
۴. برای ذخیره و بازیابی اطلاعات کمک فراوانی به کاربران و محققان می‌کند.
۵. سرعت جستجو و بازیابی را در نظام‌های رایانه‌ای بالا می‌برد.

رابطه واژه‌ها در اصطلاحنامه

در زبان برای رساندن مفاهیم از واژه‌ها و اصطلاحات استفاده می‌شود و گاه ممکن است که مفاهیم مختلف با یک واژه بیان شود و از طرفی الفاظی وجود دارد که هر یک دو یا چند مفهوم متفاوت دارند که به آنها "واژه‌های همانم و همسویه"^{۲۱} می‌گویند که این واژه‌ها در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات اختلال ایجاد می‌کنند. در اصطلاحنامه ارتباط بین مفاهیم و اصطلاحات کنترل می‌شود.

رابطه معادل میان واژه‌هایی ایجاد می‌شود که از نظر معنا یکسان یا مترادف هستند. دیویی واژه‌های مترادف را به صورت زیر آورده است:

۱. برای بیان کوتاه‌تر زبان،

۲. سهولت در نحوه تحقیق و جستجو،

۳. کنترل اصطلاحات و روابط آنها برای استفاده در روش‌های رایانه‌ای،

۴. امکان تجزیه تحلیل ریاضی،

۵. ایجاد یکدستی که در نظم روش‌های رایانه‌ای مؤثر است.

رایج‌ترین علائم در اصطلاحنامه‌های انگلیسی زبان عبارتند از:

BT = اصطلاح اعم

NT = اصطلاح اخص

RT = اصطلاح وابسته

USE = به کار برید (هدایت از یک اصطلاح غیر مرجح به "اصطلاح مرجح یا توصیفگر")

UF = به کار برید بجای (ارجاع متقابل "به کار برید" نشان‌دهنده واژه‌های غیر مرجحی که به وسیله این واژه‌ها توصیف می‌شوند)

SN = یادداشت دامنه

در برخی اصطلاحنامه‌ها نظیر اسپاین^{۱۹} اصطلاحات اعم و اخص با شماره‌هایی همراه هستند که نشان‌دهنده مرتبه موضوعی آنهاست و معمولاً تا سه مرتبه موضوعی عام‌تر و خاص‌تر را شامل می‌شود:

Clothing Industry

Bt1 Industrial sector

Bt2 Productive Enterprises Sector

Bt3 Sector of Performance

در اصطلاحنامه‌های دیگری چون مش^{۲۰} واژه‌های اعم و اخص به طور جامع در بخش رده‌ای با نظم چندمرتبه‌ای آورده شده است. توصیفگرها با ارتباط‌های سلسله‌مراتبی همراه نیستند و به این علت علائم در بخش الفبایی محدودتر است. این علائم عبارتند از:

See ; X

نگاه کنید و ارجاع متقابل آن

نگاه کنید و ارجاع زیر آن See Under ; X U

19.SPINE

20.MeSH = Medical Subject Heading

21.Homonym

اصطلاحاتی که مبدأ زبانی متفاوت دارد:

تئوری = نظریه

اصطلاحاتی که مقبول و مصطلح بجای واژه‌های کهن و غیرمصطلح:

کشورهای پیشرفته = کشورهای توسعه‌یافته

اصطلاحات مفردی که دارای جمع بی‌قاعده هستند:

موج = امواج

اصطلاحاتی که از دو کشور یا زبان مشترک اما فرهنگ متفاوت وارد زبان شده است.

شبه مترادف‌ها^{۲۲}

اصطلاحاتی هم سطح هستند که در زبان عادی معانی متفاوت دارند اما در زبان نمایه‌سازی به دلیل آنکه تداخل معنایی زیاد دارند و یا جنبه‌های متفاوت خصوصیات واحدی را بیان می‌کنند مترادف محسوب می‌شوند مانند: سردی و گرمی.

مقصود از کاربرد این واژه‌ها به صورت مترادف کاهش دادن حجم اصطلاحات است کاربرد آنها بدین شیوه فقط در زمینه‌های جنبی اصطلاحنامه تخصصی مجاز است نه در زمینه‌های اصلی که ممکن است وجود هر دو واژه نقش مهمی در دقت بازرایی داشته باشد.

برای کنترل واژه‌ها به این صورت نیز عمل می‌شود:

ترمینال به کار برید پایانه

سوسپسید به کار برید یارانه

این عمل موجب می‌شود تا جستجوگر بتواند با هر واژه‌ای که به ذهنش می‌رسد به اصطلاح مجاز و مرجح نظام دسترسی پیدا کند؛ البته همیشه مترادف یا شبه مترادفی به عنوان اصطلاح مجاز انتخاب می‌شود که بیشتر در میان اهل فن متداول باشد.

همنام‌ها یا هم‌نویسه‌ها

همنام‌ها چون به بیان شفاهی واژه‌ها مرتبط است به اصطلاحنامه مربوط نمی‌شود اما هم‌نویسه‌ها یعنی اصطلاحاتی که دارای شکل ظاهری مشترک ولی معانی متفاوت هستند، در زبان فارسی این واژه‌ها بر دونه‌اند:

۱. واژه‌هایی که از نظر تلفظ یکسان هستند مثل تیر

تیر؛

۲. واژه‌هایی که گرچه تلفظ متفاوت دارند اما در نوشتن به علت نداشتن علائم تعیین صدا ممکن است یکسان خوانده شود مانند کره کره (۱۰: ۴۹-۵۰).

البته اگر دقت کنیم به این موضوع خواهیم رسید که مورد دوم به بیان شفاهی واژه‌ها مرتبط است و آن نیز مرتبط با اصطلاحنامه،

بعضی واژه‌ها نیز اگر به صورت بسیط به کار روند ایجاد ابهام می‌کنند ولی در "واژه‌های مرکب"^{۲۳} معنی آنها کاملاً روشن است:

شیر پاستوریزه شیر آب

به طور کلی برای رفع ابهام این گونه واژه‌ها در اصطلاحنامه هر یک از معانی با عباراتی توصیفی همراه می‌شود تا چارچوب معنایی و کاربرد آن به وضوح مشخص شود:

تیر (اسلحه) تیر (ساختمان)

علاوه بر رابطه معادل که بین اصطلاحات یک مفهوم برقرار است یک رابطه دیگر نیز وجود دارد که موجب ارتباط مفاهیم با یکدیگر می‌شود. در اصطلاحنامه که جنبه عملی بیشتری مد نظر است، بیشتر آنها بسیط هستند تا بتوانند به هنگام نیاز، آزادانه ترکیب شوند. بدین دلیل جز در موارد خاص نیازی به ارائه توصیفگرهای مرکب در قالبی از پیش ساخته شده نیست.

بر خلاف رده بندی سنتی که سعی می‌شد اصطلاحات و مفاهیم فقط به یک گروه تعلق پیدا کنند و در یک دسته دیگر قرار گیرند، در "رده بندی چند سلسله‌ای"^{۲۴} برخی از مفاهیم به دو مفهوم عام‌تر یا بیشتر تعلق پیدا می‌کند و در عوض بسیاری از مفاهیم بدون مفهوم عام‌تر به طور مجرد باقی می‌ماند.

۱. شمول گروهی: رابطه جنس که به صورت رده و زیر رده آید:

تلویزیون تلویزیون رنگی

۲. شمول موضوعی: ارتباط بین دو زمینه از دانش که یکی جامع‌تر از دیگری باشد:

پزشکی

داروسازی

دامپزشکی

مامایی

۳. رابطه کل و جزء بین دو مفهوم که یکی بخشی از دیگری باشد:

قلب

دریچه آئورت

دهلیز

اصطلاحنامه با سرعنوان‌های موضوعی، لغت‌نامه‌ها و نمایه‌نامه‌ها متفاوت است، اما در این میان به نظر می‌رسد که سرعنوان‌های موضوعی شباهت بیشتری به اصطلاحنامه‌ها دارند. با این حال، در اصل کاربرد آنها متفاوت است. اصطلاحنامه ابزار نمایه‌سازی است ولی سرعنوان‌های موضوعی بیشتر در فهرست‌نویسی به کار می‌رود. در اصطلاحنامه‌ها روابط معنایی، مترادف، اعم و اخص مطرح است در حالی که در سرعنوان‌ها برعکس است.

توجه اصطلاحنامه به روابط معنایی و مترادف‌ها، آنها را مشابه لغت‌نامه‌ها کرده است با این تفاوت که لغت‌نامه‌ها به تعاریف مختلف یک واژه می‌پردازند، در حالی که اصطلاحنامه‌ها به "روابط معنایی" ۲۵ میان کلمات توجه دارند. اصطلاحنامه‌ها و نمایه‌نامه‌ها هر دو ابزار ذخیره و بازیابی اطلاعات هستند در حالی که کاربرد هر کدام تفاوت دارد، اصطلاحنامه‌ها مورد توجه پژوهشگران است اما نمایه‌نامه‌ها مورد استفاده اطلاع‌رسانان.

تفاوت اصطلاحنامه با سرعنوان‌های موضوعی

۱. اصطلاحنامه ابزار مهم نمایه‌سازی و در اصل زبان نمایه‌سازی است در حالی که سرعنوان‌های موضوعی بیشتر در فهرست‌نویسی به کار می‌رود.

۲. اصطلاحنامه‌ها به شکل سلسله‌مراتبی نیز تنظیم می‌شوند برخلاف سرعنوان‌های موضوعی که فقط به ترتیب الفبایی می‌باشند.

۳. اصطلاحنامه‌ها به کاربرد اخص واژه‌ها توجه دارند برخلاف سرعنوان‌های موضوعی.

۴. در اصطلاحنامه تنظیم براساس موضوع است در حالی که سرعنوان‌های موضوعی از تقسیم‌های فرعی برای اخص کردن اصطلاحات استفاده می‌کند.

تفاوت اصطلاحنامه با واژه‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌ها

۱. در اصطلاحنامه همه اصطلاحات بررسی شده و رایج‌ترین آنها به عنوان توصیف‌گر (مرجع) انتخاب می‌شود و رابطه اصطلاحات با یکدیگر بررسی می‌شود، در حالی که واژه‌نامه‌ها مجموعه‌ای از لغات مرتبط از نظر معنا هستند که بدون رعایت ارجحیت گردآوری شده‌اند.

۲. در اصطلاحنامه‌ها از میان مترادف‌ها رایج‌ترین اصطلاح انتخاب شده و از اصطلاحات دیگر به آن ارجاع داده می‌شود در صورتی که در واژه‌نامه‌ها چنین موردی مد نظر نیست.

۳. در فرهنگ لغات تعاریف واژه‌ها مهم است در حالی که در اصطلاحنامه‌ها این گونه نیست.

۴. در اصطلاحنامه‌ها راهنمای کاربرد (ارجاعات، روابط اعم و اخص) وجود دارد در حالی که در واژه‌نامه‌ها این گونه نیست.

انواع اصطلاحنامه‌ها

به طور کلی اصطلاحنامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اصطلاحنامه کلان ۲۶

۲. اصطلاحنامه خرد ۲۷

اصطلاحنامه کلان: اصطلاحنامه‌ای است که واژه‌ها و مفاهیم بیش از یک حوزه را پوشش می‌دهد و در حقیقت این اصطلاحنامه‌ها فقط مفاهیم اصلی آن حوزه را پوشش می‌دهند.

اصطلاحنامه خرد: اصطلاحنامه‌ای است که به زمینه‌های موضوعی تخصصی مربوط می‌شود.

در اصل هیچ یک از اصطلاحنامه‌ها کامل نیستند؛ و همه آنها تابع زمان خود هستند (۲: ۳۳).

معرفی چند اصطلاحنامه

اصطلاحنامه علوم اسلامی

این اصطلاحنامه مجموعه‌ای از اصطلاحات استاندارد شده در حوزه علوم اسلامی است که فهرست منظم واژه‌های کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می‌دهد و کنترل‌کننده واژه‌ها از زبان طبیعی به زبان نمایه‌ای است و از نظر ساختاری گنجینه

25.Semantic relation

26.Macro thesaurus

27.Micro thesaurus

جدول تاریخچه تزاروس های اولیه بین سال های (۱۸۷۶-۱۹۹۵):

سال	پدیدآور	عنوان
۱۸۷۶	کاتر	نخستین واژگان کنترل شده (برای تهیه نمایه موضوعی الفبایی)
۱۸۹۵	"انجمن کتابداران آمریکا" ^۱	سرعنوان موضوعی
۱۹۵۱	"مورتیمر تاب" ^۲	نظام نمایه سازی همارای تک واژه های
۱۹۵۹	مرکز اطلاع رسانی مهندسی دوپونت	اصطلاحنامه (به شکل امروزی)
۱۹۶۱	سازمان اطلاعات فنی نیروهای مسلح آمریکا	اصطلاحنامه (به شکل امروزی)
۱۹۶۱	انستیتوی آمریکایی مهندسان شیمی	تزاروس شیمی
۱۹۶۹	"گوئس" ^۳	تزاروس چهارمزه ای
۱۹۷۰	"یونسکو" ^۴	نخستین ویرایش راهنمای تزاروس یک زبانه
۱۹۷۴	"سازمان بین المللی استاندارد ایزو" ^۵	نخستین استاندارد بین المللی تهیه تزاروس
۱۹۷۶	یونسکو	راهنمای تزاروس های چندزبانه
۱۹۷۹	"درک آستین" ^۶	تزاروس نظام نمایه سازی بریتانیایی "پرسی" ^۷
۱۹۸۱	یونسکو	ویرایش دوم راهنمای توسعه تزاروس های یک زبانه علمی و فنی
۱۹۹۵	یونسکو	اصطلاحنامه (برای کامپیوتری کردن اسناد و مدارک یونسکو)

1.ALA=American Library Association
2.Mortimer Taube

3.Goates
4.UNESCO=United Nations Educational
Scientific and Cultural Organization

5. ISO
6. Derek Austin
7. Precis

واژگان کنترل شده و سازمان یافته در این زمینه خاص است. در حقیقت در اصطلاحنامه علوم اسلامی، کلید واژه‌ها نظام مند هستند و فشرده‌ترین صورت چکیده آمده است که در مواردی جای کتاب را گرفته و حامل بیشترین اطلاعات با کمترین ضایعات است (۲۲: ۵).

این اصطلاحنامه جزء اصطلاحنامه‌های خرد به حساب می‌آید و اهداف آن چنین است:

- تهیه طرحی از حوزه‌های علوم اسلامی؛
- تهیه واژگانی استاندارد برای حوزه‌های علوم اسلامی؛
- تهیه مشترکات لفظی این حوزه؛
- ایجاد نظام ارجاعات بین اصطلاحات مترادف و شبه مترادف؛
- ایجاد فهرست منظمی از واژه‌های موضوع مورد اشاره؛
- کمک به محققان و نمایه‌سازان و کتابداران.

اصطلاحنامه فرهنگی

در سال ۱۳۶۱ که نمایه‌سازی مدارک در سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی شروع شد و به‌طور هم‌زمان کار تدوین فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات رسمی کشور نیز آغاز شد. در این زمان تدوین اصطلاحنامه‌ای که برخاسته از فرهنگ انقلاب اسلامی باشد ضرورت یافت.

طبقه بندی علوم در اصطلاحنامه

۱. ادبیات و زبان‌شناسی
۲. ارتباطات
۳. اطلاع‌رسانی و کتابداری
۴. تاریخ
۵. جامعه‌شناسی
۶. جغرافیا و محیط زیست
۷. حقوق
۸. دین و اخلاق
۹. علوم اجتماعی
۱۰. علوم تربیتی
۱۱. علوم سیاسی
۱۲. علوم اقتصادی
۱۳. فلسفه و عرفان

۱۴. هنر

۱۵. علوم اداری (مدیریت) (۱۷: ۶).

اصطلاحنامه علوم قرآنی

اصطلاحنامه علوم قرآنی امتیازاتی دارد که این اصطلاحنامه را در بین اصطلاحنامه‌های هم‌موضوع خود برتر می‌نماید. ۱. نخستین اصطلاحنامه علوم قرآنی در حوزه مسلمانان عرب و فارسی زبان است.

۲. استخوان بندی علوم قرآنی را به نمایش می‌گذارد.

۳. رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند.

۴. مفاهیم نهفته علوم قرآنی را که در پشت اصطلاحات پنهان است به ذهن خواننده انتقال می‌دهد.

۵. مورد استفاده نویسندگان مقالات و پژوهشگران است.

۶. در تدوین دایرةالمعارف علوم قرآنی و یافتن مدخل‌های مناسب یاری می‌رساند.

۷. به نمایه‌سازان متون علوم قرآنی یاری می‌رساند (۱۹: ۳۵).

در این اصطلاحنامه به موارد زیر اشاره شده است:

۱. شناخت اسلوب ادبی قرآن،
۲. شناخت اعجاز قرآن،
۳. شناخت اوصاف و فضایل قرآن،
۴. شناخت تاریخ قرآن،
۵. شناخت ترجمه و مترجمان قرآن،
۶. شناخت تفسیر و مفسران،
۷. شناخت تقسیمات قرآنی،
۸. شناخت دلالت الفاظ قرآن،
۹. شناخت قرائت و قراء،
۱۰. شناخت قرائت و تجوید قرآن،
۱۱. شناخت کلمات و حروف قرآن (۱۷: ۳۱).

اهداف اصطلاحنامه‌ها

اصطلاحنامه نیز مانند هر نظام هدفمندی دارای اهداف مشخص و قابل تعریفی است.

در حقیقت اولین و مهم‌ترین هدف اصطلاحنامه‌ها: یاری رساندن به جستجوگران، نمایه‌سازان و پژوهشگران است

زیرا هر مطلبی باید برای آگاهی و رفع مشکلات کاربران و پژوهشگران باشد. در راستای این هدف، اهداف دیگر نیز پدیدار می‌شوند از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گردآوری مجموعه‌ای از اصطلاحات مرتبط در حوزه خاصی از علوم؛

- ذخیره سازی و بازیابی اطلاعات؛

- وجود ارجاعات به منظور تسهیل در سرعت دستیابی به اصطلاحات؛

- آوردن مفاهیم جدید واژه‌ها؛

- قراردادن مفاهیم جدید در طرحی مرتبط با مفاهیم موجود؛

- تغییر واژه‌ها به مقتضیات تغییر زمان؛

- قرار دادن یک واژه در همه علوم مرتبط با آن اصطلاح؛

- توجه به نیاز پژوهشگران و نمایه‌سازان.

در اصل همه این موارد برای دستیابی آسان مراجعان به اهدافشان است.

نتیجه گیری

در اصطلاحنامه‌ها سه نوع رابطه وجود دارد:

۱. اصطلاحاتی که بایکدیگر مترادفند: آموزش و پرورش،

۲. اصطلاحاتی که رابطه اعم و اخص دارند:

هنرمند که اعم‌تر از شاعر است،

۳. اصطلاحاتی که به زمینه خاص وابستگی دارند:

برنامه فرهنگی، فیلم، سینما.

با توجه به کاربرد اصطلاحنامه این نتیجه حاصل می‌شود که اصطلاحنامه‌ها فقط در همان زمان، محیط، زبان و فرهنگی که پدید می‌آیند معتبرند، در غیر این صورت هیچ اعتبار معنایی نخواهند داشت.

در استفاده از همه جنبه‌های مورد نیاز اصطلاحنامه همیشه مشکلاتی وجود دارد. یکی از این مشکلات که گذشت زمان به وجود آورنده آن است از تغییر معنای اصطلاحات به معنای متضاد و مخالف است. مطمئناً در زمان‌های گذشته لغات و اصطلاحاتی با مفاهیمی خاص مورد استفاده بوده که امروزه همان اصطلاحات با همان تلفظ دچار معنایی کاملاً متضاد شده است و استفاده از اصطلاحنامه‌های قدیمی‌تر این مشکل را ایجاد کرده است.

استفاده از لغات امروزی با مفاهیم امروزی در اصطلاحنامه‌ها

ضرورت دارد. در حقیقت این مسئله برای پژوهشگران آینده مشهود خواهد بود زیرا اصطلاحنامه‌های امروزی برای آن زمان قدیمی خواهند بود.

اصطلاحنامه‌ها؛ فقط تا زمانی در یک جامعه و فرهنگ کاربرد دارند که تغییر زبانی و مفهومی میان اصطلاحات رخ ندهد در غیر این صورت نیاز به وجود اصطلاحنامه‌ای که همگام با تغییرات زبانی و مفهومی جامعه باشد احساس خواهد شد.

منابع

۱. آچسن، جین. اصطلاحنامه فرهنگ، ارتباطات،

اطلاعات از اصطلاحنامه یونسکو. ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۵.

۲. آقابخشی، علی. نمایه‌سازی همرا. تهران: مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران، ۱۳۷۲.

۳. اصطلاحنامه بین المللی توسعه فرهنگی یونسکو. ترجمه عباس حری و پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.

۴. اصطلاحنامه علم اطلاع‌رسانی و دکومانتاسیون. ترجمه محمد حسین دانشی و عبدالحسین آذرنگ. تهران: اتحادیه بین المللی مرکز مدارک فید، [بی‌تا].

۵. اصطلاحنامه فرهنگی فارسی اصفا. تهیه شورای علمی اصطلاحنامه: فریبرز خسروی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.

۶. اصطلاحنامه نما (نظام مبادله اطلاعات علمی - فنی). مجری ملوک‌السادات بهشتی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۷.

۷. اوستین، درک ویلیام. راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یک‌زبانه. ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.

۸. حری، عباس. «نظام چند سطحی و ذخیره و بازیابی رایانه‌ای». فصلنامه کتاب، دوره هفتم، ۳ (پاییز ۱۳۷۵): ۳۷-۴۰.

۹. حریری، مهرانگیز. «اصطلاحنامه در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات». اطلاع‌رسانی، دوره ششم، ۱ و ۲ (۱۳۶۲):

- ۶۷-۶۰. ۱۷. علیمحمدی، محمد حسین. «اصطلاحنامه فرهنگی ایران و بخش جامعه‌شناسی». آینه پژوهش، ۲۴ و ۳۰ (۱۳۷۳): ۶.
۱۸. فاگمن، رابرت. تحلیل موضوعی و نمایه‌سازی مبانی نظری و توصیه‌های علمی. ترجمه علی مزینانی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.
۱۹. فرخ زاده، محمد. «نگاهی به اصطلاحنامه‌ها». آینه پژوهش، دوره هفتم، ۵ (۱۳۷۵): ۳۴-۳۵.
۲۰. «گزارش اجمالی طرح تدوین اصطلاحنامه فرهنگی فارسی اثری نمونه و جامع الشرایط». اطلاعات. مهر ۱۳۷۸.
۲۱. ویت، ژان. اصطلاحنامه توسعه فرهنگی (فارسی. انگلیسی. فرانسه). ترجمه ناصر پاکدامن. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۸.
۲۲. یعقوب نژاد، محمد هادی. «افزایش اطلاعات و لزوم نظام‌مند کردن آن». آینه پژوهش، دوره هشتم، ۸ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵): ۲-۵.
۲۳. همو. اصطلاحنامه فلسفه اسلامی. قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۶.
۲۴. همو. «مروری بر مبانی اصطلاحنامه اسلامی». آینه پژوهش، دوره هفتم، ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵): ۲-۶.
۱۰. همو. «اصطلاحنامه در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات» اطلاع‌رسانی، دوره هفتم، ۱ (۱۳۶۲): ۵۰-۷۳.
۱۱. خاجویی، فائزه. «بررسی میزان قوت و ضعف روابط سلسله‌مراتبی در اصطلاحنامه: با نگرشی بر دو اصطلاحنامه متالوژی و ASM». پیام کتابخانه، دوره سوم، ۲ و ۳ (تابستان و پاییز ۱۳۷۲): ۲۲.
۱۲. راوی، جنیفر. نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی. ترجمه جعفر مهرداد. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۳. رضایی کرمانی، محمد علی. «سیری در اصطلاحنامه علوم قرآنی». آینه پژوهش، ۴۷ (آذر و دی ۱۳۷۶): ۲۹-۳۷.
۱۴. رهادوست، فاطمه. اصطلاحنامه پزشکی فارسی: نمایه درختی، نمایه الفبایی، نمایه گردشی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
۱۵. ستوده، غلامرضا. مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها و سمت، ۱۳۷۱.
۱۶. سلطانی، پوری. اصطلاحنامه کتابداری: فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۴۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی